



مولانا « مثنوی معنوی » دفتر اول «

بخش ۱ - سرآغاز

| | | |
|--------------------------------|------------------------------------|----|
| از جداییها حکایت می کند | بشنو این نی چون شکایت می کند | ۱ |
| در نفیرم مرد و زن نالیده اند | کز نیستان تا مرا بُریده اند | ۲ |
| تا بگویم شرح درد اشتیاق | سینه خواهم شَرَحَه شَرَحَه از فراق | ۳ |
| باز جوید روزگارِ وصل خویش | هر کسی کو دور ماند از اصلِ خویش | ۴ |
| جفت بدحالان و خوش حالان شدم | من به هر جمعیتی نالان شدم | ۵ |
| وز درون من نُجُست اسرار من | هرکسی از ظنّ خود شد یار من | ۶ |
| لیک چشم و گوش را آن نور نیست | سَرّ من از نالهٔ من دور نیست | ۷ |
| لیک کس را دیدِ جان دستور نیست | تن ز جان و جان ز تن دستور نیست | ۸ |
| هر که این آتش ندارد نیست باد | آتشست این بانگِ نای و نیست باد | ۹ |
| جوشش عشقست کاندِر می فتاد | آتش عشقست کاندِر نی فتاد | ۱۰ |
| پرده‌هاش پرده‌های ما درید | نی حریف هرکه از یاری بُرید | ۱۱ |
| همچو نی دمساز و مشتاق کی دید | همچو نی زهری و تریاق کی دید | ۱۲ |
| قصه‌های عشقِ مجنون می کند | نی حدیثِ راه پُر خون می کند | ۱۳ |
| مرزبان را مُشتری جز گوش نیست | محرم این هوش جُز بیهوش نیست | ۱۴ |
| روزها با سوزها همراه شد | در غمِ ما روزها بیگانه شد | ۱۵ |
| تو بمان ای آنک چون تو پاک نیست | روزها گر رفت گورو باک نیست | ۱۶ |
| هرکه بی روزیست روزش دیر شد | هر که جز ماهی ز آبش سیر شد | ۱۷ |
| پس سخن کوتاه باید والسّلام | در نیابد حالِ پُخته هیچ خام | ۱۸ |
| چند باشی بند سیم و بند زر | بندِ بگسل باش آزاد ای پسر | ۱۹ |
| چند گنجد قسمتِ یک روزه‌ای | گر بریزی بحر را در کوزه‌ای | ۲۰ |

| | | |
|----------------------------------|------------------------------|----|
| تا صدف قانع نشد پُر در نشد | کوزه چشم حریصان پُر نشد | ۲۱ |
| او ز حرص و عیب گلی پاک شد | هر که را جامه ز عشقی چاک شد | ۲۲ |
| ای طیبی جمله علت‌های ما | شاد باش ای عشق خوش سودای ما | ۲۳ |
| ای تو افلاطون و جالینوس ما | ای دوای نخوت و ناموس ما | ۲۴ |
| کوه در رقص آمد و چالاک شد | جسم خاک از عشق بر افلاک شد | ۲۵ |
| طور مست و "خَرَّ مُوسَى صَعِقًا" | عشق جانِ طور آمد عاشقا | ۲۶ |
| همچو نی من گفتنی‌ها گفتمی | با لبِ دمسازِ خود گر جُفتمی | ۲۷ |
| بی‌زبان شد گرچه دارد صد نوا | هر که او از هم‌زبانی شد جدا | ۲۸ |
| نشوی زان پس ز بلبل سرگذشت | چونک گل رفت و گلستان درگذشت | ۲۹ |
| زنده معشوقست و عاشق مرده‌ای | جمله معشوقست و عاشق پَرده‌ای | ۳۰ |
| او چو مرغی ماند بی پَر وای او | چون نباشد عشق را پروای او | ۳۱ |
| چون نباشد نور یارم پیش و پس | من چگونه هوش دارم پیش و پس | ۳۲ |
| آینه غمّاز نبود چون بود | عشق خواهد کین سخن بیرون بود | ۳۳ |
| زانک زنگار از رخس مُمتاز نیست | آینت دانی چرا غمّاز نیست | ۳۴ |

وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف یا وزن مثنوی)



تنظیم و ارائه: وبسایت خانقاه خاکسار مطهریه

منابع:

۱- وبسایت گنجور:

<https://ganioor.net/moulavi/masnavi/daftar1/sh1>

۲- شرح مثنوی معنوی ۱ حاج ملاهادی سبزواری

https://drive.google.com/file/d/1xLXd6pcZKAF2-UCYxjOP0DeAIJWD9-qj/view?usp=drive_link

۳- مثنوی معنوی بر اساس نسخه قونیه-به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سروش

<https://naskban.ir/1613/1>

۳- وبسایت واژه یاب:

<https://vajehyab.com/>